

## نقش عناصر برنامه درسی استخراج شده از نهج البلاغه در تقویت باورهای اعتقادی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر کرمان

مهسا حسینی<sup>۱</sup>  
حسینعلی جاهدا<sup>۲</sup>  
محمد نیرو<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

### چکیده

هدف این پژوهش استخراج عناصر برنامه درسی از نهج البلاغه و شناخت نقش آنها در تقویت باورهای اعتقادی دانش آموزان دوره ابتدایی بود. پژوهش با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) انجام شد. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل متن کامل نهج البلاغه و دو تفسیر معتبر بود و داده‌ها از طریق کدگذاری استقرایی تحلیل شدند. به این منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا، مفاهیم تربیت اعتقادی از متن نهج البلاغه استخراج و در هشت عنصر برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، نقش معلم، مواد و منابع، فضا، زمان بندی، و ارزشیابی سازمان دهی شدند. در بخش کمی، نقش این عناصر با تحلیل رگرسیون چندگانه بر نمونه‌ای متشکل از ۳۰۵ معلم ابتدایی شهر کرمان آزمون شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با ۷۵ سؤال بود که روایی آن  $(CVI=0,84)$  و پایایی آن  $(\alpha=0,81)$  تأیید گردید. نتایج کیفی نشان داد که نهج البلاغه ظرفیت بالایی برای طراحی برنامه درسی اعتقادی دارد و یافته‌های کمی با ضرایب رگرسیون معنی دار  $(\beta)$  بین ۰,۵۵ تا ۰,۷۱، و  $(p < 0,000)$  و ضریب تعیین کل ۰,۶۵، نقش مثبت این عناصر را تأیید کرد. نقش معلم  $(\beta=0,71)$  و اهداف  $(\beta=0,68)$  بیشترین و زمان بندی  $(\beta=0,55)$  کمترین نقش را داشتند. این نتایج بر ضرورت آموزش معلمان، تدوین محتوای جدید، و بهبود زیرساخت‌ها تأکید دارد. این برنامه می‌تواند به عنوان الگویی بومی، باورهای دینی دانش آموزان را تقویت کرده و خلأهای آموزشی را جبران نماید.

**کلید واژه‌ها:** برنامه درسی، نهج البلاغه، باورهای اعتقادی، دانش آموزان ابتدایی.

۱ گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. 2980581976@iau.ir

۲ گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. 5069321420@iau.ir

۳ گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mohammad\_niroo@iau.ac.ir

## مقدمه

تربیت اعتقادی فرآیندی است که با هدف استوارسازی باورهایی مانند توحید، نبوت، امامت و معاد، زمینه‌ساز رشد معنوی دانش‌آموزان و هدایت آن‌ها به سوی کمال انسانی می‌شود (موسوی، ۱۳۹۸). این نوع تربیت، که ریشه در تعالیم انبیا و ائمه اطهار (ع) دارد، در نظام اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان ابزاری کلیدی برای شکل‌گیری جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی شناخته می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۹: ۵۶). در نظام آموزشی ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تقویت باورهای اعتقادی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی تأکید کرده و انتظار دارد دانش‌آموزان در طول تحصیل، پایه‌های ایمانی خود را مستحکم کنند (سند چشم‌انداز، ۱۴۰۴). با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی فعلی در دوره ابتدایی از نظر محتوایی و ساختاری، به‌طور کامل نتوانسته‌اند این هدف را محقق کنند و تقویت باورهای اعتقادی همچنان با چالش‌هایی روبه‌روست (ایران‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰). نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای ارزشمند از کلام امام علی (ع)، منبعی سرشار از اصول اعتقادی و تربیتی است که می‌تواند پایه‌ای مؤثر برای برنامه‌درسی با هدف تقویت باورهای دینی باشد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵). این اثر با ارائه مفاهیم عمیق معنوی و راهکارهای تربیتی، ظرفیت بالایی برای نقش‌گذاری بر دانش‌آموزان ابتدایی دارد (فرمپینی فراهانی، ۱۴۰۱: ۱۱۰). در حالی که نظام تعلیم و تربیت با مشکلاتی مانند نبود برنامه‌ریزی منسجم، کمبود الگوهای عملیاتی و ناهماهنگی با اسناد بالادستی مواجه است، استفاده از نهج‌البلاغه می‌تواند رویکردی بومی و کارآمد برای بهبود این وضعیت ارائه دهد (کرمی دورودخانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۹). ضرورت این پژوهش از آنجاست که بدون برنامه‌درسی مؤثر، تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان ناقص می‌ماند و این امر ممکن است بر هویت دینی نسل آینده نقش منفی بگذارد. اهمیت مطالعه حاضر از چند منظر قابل توجه است. نخست، دوره ابتدایی به‌عنوان زمان پایه‌گذاری باورهای دینی، نقشی حیاتی در آینده دانش‌آموزان و جامعه ایفا می‌کند. دوم، در شرایطی که برخی نظام‌های آموزشی تحت نقش نگرش‌های غیرمذهبی، باورهای اعتقادی را کمرنگ کرده‌اند، استفاده از نهج‌البلاغه می‌تواند هویت اسلامی را در آموزش ایران تقویت کند (میرعرب، ۱۳۹۵: ۸۷). سوم، این پژوهش با بررسی نقش برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه، راهکاری عملی برای پر کردن خلأهای موجود ارائه می‌دهد و به برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا اهداف سند تحول بنیادین را بهتر دنبال کنند. به عبارت دیگر، فقدان برنامه‌ای مشخص برای تقویت باورهای اعتقادی، لزوم این مطالعه را برجسته می‌کند، زیرا تربیت دینی قوی،

زیربنای سایر ابعاد تربیتی و تضمین‌کننده سلامت معنوی جامعه است. یکی از ویژگی‌های بارز نهج‌البلاغه، توانایی آن در ارائه محتوای آموزشی متناسب با سطح درک کودکان است. خطبه‌ها و حکمت‌های این کتاب با زبانی ساده اما عمیق، می‌توانند مفاهیم پیچیده اعتقادی را به شکلی قابل فهم برای دانش‌آموزان ابتدایی منتقل کنند (فرمهبینی فراهانی، ۱۴۰۱: ۱۱۰). این ویژگی، امکان طراحی فعالیت‌های آموزشی جذاب مانند داستان‌گویی و بحث‌های گروهی را فراهم می‌کند که باورهای دینی را در ذهن کودکان نهادینه می‌کند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵). از این رو، برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت، یادگیری را به تجربه‌ای لذت‌بخش و اثرگذار تبدیل کند و نقش مستقیمی بر تقویت ایمان دانش‌آموزان داشته باشد. علاوه بر این، استفاده از نهج‌البلاغه در برنامه‌درسی، فرصتی برای پیوند آموزش با ارزش‌های فرهنگی و دینی فراهم می‌کند. این رویکرد نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با هویت اسلامی خود ارتباط عمیق‌تری برقرار کنند، بلکه زمینه‌ساز تقویت انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در آن‌ها می‌شود (میرعرب، ۱۳۹۵: ۸۷). در جهانی که چالش‌های فرهنگی و هویتی روزبه‌روز بیشتر می‌شود، چنین برنامه‌ای می‌تواند به‌عنوان سپری در برابر نفوذ ارزش‌های ناسازگار عمل کند و دانش‌آموزان را برای زندگی مسئولانه در جامعه آماده سازد (اعرافی، ۱۳۹۹: ۵۶). این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که عناصر برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه نقشی دارد؟

### مبانی نظری

جان دیویی<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌پردازان برجسته تعلیم و تربیت، بر اهمیت تجربه عملی در فرآیند یادگیری تأکید دارد و معتقد است که آموزش باید با زندگی واقعی دانش‌آموزان پیوند داشته باشد تا اثربخش و معنادار شود (دیویی، ۱۳۹۶: ۳۵). از دیدگاه او، برنامه‌درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان را به مشارکت فعال تشویق کند، امری که با استفاده از روش‌های تربیتی نهج‌البلاغه، مانند بهره‌گیری از مثال‌های ملموس و عبرت‌آموزی، هم‌راستا است (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲: ۴۹). این دیدگاه نشان می‌دهد که برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه می‌تواند با ایجاد تجربه‌های عملی، باورهای اعتقادی را در دانش‌آموزان ابتدایی تقویت کند. ژان پیاژه، نظریه‌پرداز رشد شناختی، بیان می‌کند که کودکان در سنین ۷ تا ۱۱ سال در مرحله عملیات عینی قرار دارند و توانایی درک مفاهیم واقعی و ملموس را دارند، اما هنوز به تفکر انتزاعی کامل نرسیده‌اند (پیاژه و اینهلدر، ۱۴۰۳: ۹۵). او بر

ضرورت تطبیق محتوای آموزشی با مراحل رشد تأکید دارد، که این موضوع اهمیت ساده‌سازی مفاهیم اعتقادی نهج‌البلاغه را برای این گروه سنی نشان می‌دهد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۸۵). بنابراین، استفاده از تمثیل‌ها و داستان‌های نهج‌البلاغه، مانند خطبه قاصعه، می‌تواند باورهای دینی را به شکلی قابل‌فهم در ذهن کودکان تثبیت کند (رضازاده، ۱۴۰۳: ۵۶). ویگوتسکی، با تأکید بر یادگیری اجتماعی، معتقد است که تعامل با دیگران و الگودهی نقش مهمی در رشد فکری و شخصیتی کودکان دارد و یادگیری در بستر فرهنگ و ارزش‌ها شکل می‌گیرد (ساعتچی، ۱۴۰۰: ۹۵). این نظریه با بهره‌گیری از نهج‌البلاغه به‌عنوان منبعی غنی از ارزش‌های دینی هم‌خوانی دارد (کومالاساری و یاکوبو، ۲۰۲۳). برای مثال، توصیه‌های عملی امام علی (ع) در نامه ۳۱ می‌تواند از طریق فعالیت‌های گروهی به دانش‌آموزان منتقل شود و باورهای اعتقادی را در تعاملات اجتماعی آن‌ها تقویت کند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، علامه طباطبایی تربیت را فرآیندی می‌داند که از کودکی آغاز می‌شود و با تکیه بر منابع دینی مانند نهج‌البلاغه، انسان را به کمال الهی هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۶). این دیدگاه، نهج‌البلاغه را ابزاری مؤثر برای تقویت پایه‌های اعتقادی می‌شناسد (مرزوقی و دهقانی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). همچنین، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت اعتقادی را از اولویت‌های اصلی می‌داند و بر لزوم استفاده از منابع اسلامی در برنامه‌درسی تأکید دارد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). نظریه‌پردازان معاصر مانند اعرافی نیز بر این باورند که تربیت دینی در دوره ابتدایی باید با روش‌های متناسب با سن، مانند بازی و فعالیت‌های عملی، اجرا شود، که این با شیوه‌های تربیتی نهج‌البلاغه، از جمله محبت و موعظه، سازگار است (اعرافی، ۱۳۹۵).

### پیشینه پژوهش

عباس زاده و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با تأکید بر دوره اول متوسطه با توجه به یافته‌های این پژوهش، الگوی مورد نظر براساس ده عنصر برنامه درسی، اعم از منطق، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، منابع، گروه بندی، زمان، مکان و ارزشیابی، طراحی گردید. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین عناصر برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی، ارتباط منطقی وجود داد و الگو از نظر ده عنصر برنامه درسی، دارای سیر منظم و منطقی است و از جامعیت و یکپارچگی لازم برخوردار است. در حوزه الگوهای تربیتی، طالقانی (۱۴۰۱) در پژوهش «بررسی تربیت اعتقادی قرآن با الگوی «ابرار» در سیر نزول»، مولفه‌های تشکیل‌دهنده این الگو به ترتیب شامل توحید باوری، نبوت باوری، معاد باوری؛

محبت و عشق به خداوند، محبت و عشق به پیامبر و ایمه، علاقه و میل به آخرت؛ اطاعت و پیروی عملی از دستورات خداوند، پیامبر و ایمه، انجام رفتارهای مومنانه به منظور رسیدن به بهشت و ترک اعمال ناپسند برای دوری و نجات از جهنم و عذاب اخروی می‌باشند. در این الگو، هریک از سه بعد بینش، گرایش و رفتار با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند که در تربیت اعتقادی باید همه باهم در نظر گرفته شوند تا الگوی تربیت اعتقادی مطلوب شکل بگیرد. از سوی دیگر، محمدی پناه و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه «بایسته‌های تربیت اعتقادی فرزند از منظر فقه تربیتی»، بر وجوب تربیت اعتقادی و ضرورت مقدمات علمی و عملی آن تأکید کردند که اهمیت طراحی الگویی جامع را نشان می‌دهد. پژوهش‌های خارجی نیز به اهمیت الگوهای تربیتی پرداخته‌اند. رستمی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه «نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه» بیان می‌کنند که با تحلیل توصیفی این نامه، روش‌های شناختی (خردورزی، عبرت‌آموزی)، گرایشی (محبت، موعظه) و رفتاری (الگوگیری، مراقبه) را شناسایی کرد که می‌توانند در طراحی الگوی تربیت اعتقادی مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش بر نقش‌پذیری نهج البلاغه از قرآن و ظرفیت آن برای ارائه الگوهای تربیتی تأکید دارد. ریسای ربانی و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان «نقش برنامه درسی معارف اسلامی در رشد ارزش دینی دانش‌آموزان» نشان داد آموزش دینی اسلامی در اندونزی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و اخلاق نسل جوان دارد. برنامه درسی تعلیمات دینی اسلامی نه تنها معارف دینی را آموزش می‌دهد، بلکه هدف آن تشکیل دانش‌آموزانی است که بتوانند ارزش‌های اسلامی را در زندگی روزمره خود به کار گیرند. این پژوهش با مطالعه ادبیات و روش تحقیق کیفی توصیفی به بررسی چگونگی ادغام مفهوم تربیت یعنی تربیت جامع و شخصیت‌سازی در برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته است. داده‌های اولیه از طریق مصاحبه و مشاهده با شرکت کنندگان در مدارس به دست آمد و نتایج نشان داد که برنامه درسی علیرغم چالش‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مانند سازگاری با ارزش‌های اسلامی معاصر و سازگاری با سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان، در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان با صداقت و پابندی به ارزش‌های دینی موفق بوده است. کومالاساری و یاکوبو (۲۰۲۳) در مطالعه «اجرای شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز از طریق تربیت اعتقادی»، نشان دادند که ادغام تربیت اعتقادی با واقعیت‌های اجتماعی می‌تواند الگویی مؤثر برای رشد شخصیت دینی ارائه دهد. جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد که نهج البلاغه به‌عنوان منبعی غنی، ظرفیت بالایی برای طراحی برنامه‌درسی دارد، اما پژوهش‌ها تاکنون کمتر به تدوین چارچوب عملیاتی برای دوره ابتدایی

پرداخته‌اند. این شکاف، ضرورت پژوهش حاضر را برای طراحی برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه با هدف تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان ابتدایی آشکار می‌سازد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف شناخت نقش عناصر برنامه استخراج شده از نهج‌البلاغه در تربیت اعتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد و به این منظور از روش آمیخته (کیفی و کمی) استفاده کرد. در بخش کیفی، از تحلیل محتوا برای شناسایی مفاهیم مرتبط با تربیت اعتقادی بهره گرفته شد. جامعه آماری این بخش شامل متن کامل نهج‌البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها) به همراه دو تفسیر معتبر، یعنی شرح ابن‌میثم بحرانی (با تأکید بر جنبه‌های کلامی) و تفسیر علامه جعفری (با رویکرد تربیتی)، بود. داده‌ها از طریق مطالعه دقیق متون، یادداشت‌برداری و کدگذاری هدفمند گردآوری شدند. تحلیل محتوا؛ روشی منظم برای کاوش محتوای متون است که در این مطالعه به کار رفت. این فرآیند در سه مرحله انجام شد: ۱) مرحله آماده‌سازی، که در آن متن نهج‌البلاغه و تفاسیر برای بررسی انتخاب شدند؛ ۲) مرحله سازمان‌دهی، که داده‌ها کدگذاری شده و به دسته‌های مفهومی مانند اهداف، محتوا و راهبردها سازمان‌دهی شدند؛ ۳) مرحله ارائه نتایج، که یافته‌ها به صورت عناصر برنامه‌درسی تنظیم شدند. کدگذاری به روش استقرایی انجام شد و مفاهیم تربیت اعتقادی از متن استخراج گردید. برای اطمینان از کیفیت، نتایج توسط سه متخصص علوم دینی و تعلیم و تربیت بررسی شد و پایایی با محاسبه ضریب توافق بین کدگذاران (بیش از ۰٫۸) تأیید شد. همچنین، از روش تحلیلی-استنتاجی برای شکل‌دهی ساختار برنامه‌درسی استفاده شد. در بخش کمی از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل ۱۴۵۶ معلم دوره ابتدایی شهر کرمان بود که از میان آن‌ها، با توجه به جدول تعیین حجم نمونه مورگان، ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس عناصر برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بود که شامل ۷۵ سوال طراحی شد. این پرسشنامه بر پایه عناصری مانند اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، نقش معلم، مواد و منابع، فضا، زمان‌بندی و ارزشیابی تدوین شد و هر سوال به بررسی نقش این عناصر بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان اختصاص یافت. روایی پرسشنامه با معیار AVE بالای ۰٫۵ و پایایی آن با آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالای ۰٫۷ تأیید گردید که در جدول زیر روائی محتوایی و ضریب الفا کرونباخ عناصر آورده شد. برای بررسی فرضیه‌ها در بخش کمی از تحلیل رگرسیون در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

جدول (۱): پایایی (آلفای کرونباخ) و روایی محتوایی عناصر برنامه درسی مبتنی بر نهج البلاغه

عناصر برنامه درسی	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ (پایایی)	شاخص روایی محتوایی (CVI)
اهداف برنامه درسی	۱۰	۰,۸۲	۰,۸۵
محتوا	۱۰	۰,۷۸	۰,۸۲
راهبردهای تدریس	۱۰	۰,۸۵	۰,۸۸
نقش معلم	۹	۰,۸۰	۰,۸۴
مواد و منابع آموزشی	۱۰	۰,۷۹	۰,۸۱
فضا	۸	۰,۸۳	۰,۸۷
زمان بندی	۸	۰,۷۷	۰,۸۰
ارزشیابی	۱۰	۰,۸۴	۰,۸۶
کل پرسشنامه	۷۵	۰,۸۱	۰,۸۴

### یافته‌های پژوهش

بخش کیفی:

در این بخش به این سوال پاسخ داده شد که مضامین اصلی و فرعی برنامه درسی تربیت اعتقادی

مبتنی بر نهج البلاغه در دوره ابتدایی چگونه است؟

جدول (۲). عناصر برنامه درسی مبتنی بر تحلیل محتوا از نهج البلاغه

عناصر برنامه درسی	مولفه‌ها	بخشی از مستندات نهج البلاغه
اهداف برنامه درسی	هدف اصلی: استحکام ایمان و تقوا در دانش آموزان و نزدیک شدن به خداوند. اهداف فرعی: - فردی: پرورش شخصیت، شناخت خویشتن، ارتقای معنویت درونی، تشویق به کارهای خیر و کمک به دیگران، یادگیری توبه و بهبود رفتار. - اجتماعی: تقویت حس همبستگی، ترویج	خطبه ۱: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ» (آغاز دین، شناخت خداست) - هدف اصلی. حکمت ۳۱: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ» (هرکس خود را شناخت، خدا را شناخت) - خودشناسی. خطبه ۲۰: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ»

<p>(بهترین مردم، سودمندترین آن‌ها برای مردم است) - مسئولیت اجتماعی. خطبه ۱۱۰: توصیف شگفتی‌های خلقت - احترام به طبیعت.</p>	<p>عدالت‌طلبی، افزایش مسئولیت‌پذیری در جامعه و مشارکت فعال. - زیست‌محیطی: احترام به طبیعت به عنوان آفریده خدا و آموزش وظایف دینی برای حفاظت از محیط زیست.</p>	
<p>خطبه ۸۳: «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (بدانید که به سوی او بازمی‌گردید) - معاد. حکمت ۵۳: «الْصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ» (صدقه داروی موفقیت است) - اخلاق. خطبه ۱: توصیف آفرینش - علوم طبیعی. حکمت ۴: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ» (چه نیکوست صبر) - مهارت زندگی.</p>	<p>مفاهیم دینی: آموزش قرآن، احکام شرعی، اصول اخلاقی و تاریخ اسلامی. آموزه‌های حدیثی: بهره‌گیری از سخنان و روایات نهج البلاغه. پیوند با علوم: ارتباط دادن تعالیم دینی با دانش‌های گوناگون. مهارت‌های زندگی: آموزش مهارت‌های اجتماعی، حل مسائل، تفکر نقادانه و تصمیم‌گیری بر پایه ارزش‌های دینی و اخلاقی.</p>	<p>محتوا</p>
<p>حکمت ۱۰: «التَّجَارِبُ عِلْمٌ مَخْرُونٌ» (تجربه‌ها دانش انباشته است) - کاوشگری. نامه ۳۱: توصیه به تقوا و عدالت - الگوبرداری. خطبه ۱۹۳: تمثیل‌هایی از طبیعت برای شناخت خدا - قصه‌گویی.</p>	<p>روش‌های پویا: استفاده از شیوه‌های کاوشگری، همکاری گروهی، گفتگو و پرس‌وجو برای پرورش تفکر و اندیشه. روش‌های نمونه‌محور: ارائه سیره پیامبران و امامان، به‌ویژه امام علی (ع)، برای الگوبرداری اخلاقی. روش‌های قصه‌گویی و حکمت‌محور: به‌کارگیری داستان‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه برای توضیح مفاهیم دشوار به زبانی ساده و قابل درک.</p>	<p>راهبرد های تدریس</p>
<p>خطبه ۹۷: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (انسان با کسی است که دوستش دارد) - الگو بودن. نامه ۳۱: «وَعَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعْزِلُونَ» (به</p>	<p>نمونه عملی: معلم به عنوان سرمشقی در رفتار و اخلاق برای دانش‌آموزان. رهبر تربیتی: راهنمایی دانش‌آموزان به سوی رشد اعتقادی و اخلاقی با استفاده از محتوای نهج البلاغه.</p>	<p>نقش معلم</p>



<p>آن‌ها بیاموز چگونه ببینند) - راهنمایی و تعامل.</p>	<p>کمک‌کننده به یادگیری: فراهم کردن فضایی تعاملی و پرسش‌گرا برای تقویت اندیشه‌ورزی و پذیرش درونی مفاهیم دینی.</p>	
<p>حکمت ۱: «أَفْضَلُ الزَّادِ التَّقْوَى» (بهترین توشه تقواست) - محتوای دینی. نامه ۳۱: توصیه‌های ساده به فرزند - احادیث قابل فهم. خطبه ۱۸۵: توصیف خلقت برای آموزش بصری - چندرسانه‌ای.</p>	<p>کتاب‌های آموزشی: منابعی متناسب با ارزش‌های دینی و اخلاقی با محوریت نهج البلاغه. احادیث: استفاده از روایات نهج البلاغه به شکلی روان و مناسب برای کودکان. ابزارهای چندرسانه‌ای: به‌کارگیری فیلم، انیمیشن و برنامه‌های آموزشی برای جذابیت بیشتر یادگیری.</p>	<p>مواد و منابع آموزشی</p>
<p>خطبه ۱۵: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْعَدْلَ» (خدا عدالت را دوست دارد) - محیط عادلانه. حکمت ۳۱۵: «رَأَى اللَّهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ» (خدا را در هر چیز دید) - فضای معنوی. نامه ۳۱: توصیه به تربیت خانوادگی - همکاری والدین.</p>	<p>محیط پشتیبان: ایجاد فضایی امن و دلگرم‌کننده برای انگیزه دادن به یادگیری و پیشرفت. فضای معنوی: بهره‌مندی از مکان‌هایی مانند نمازخانه و کتابخانه برای تقویت باورهای دینی. همکاری با خانواده: مشارکت والدین در راستای پشتیبانی از آموزش مفاهیم دینی در خانه و مدرسه.</p>	<p>فضا مناسب</p>
<p>خطبه ۴۵: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِلْآخِرَةِ» (از خدا بترسید و برای آخرت کار کنید) - زمان‌بندی منظم. حکمت ۱۷۵: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ» (صبر کلید گشایش است) - فعالیت‌های جانبی.</p>	<p>زمان‌بندی منظم: اختصاص وقت کافی در برنامه هفتگی برای آموزش مفاهیم اعتقادی. برنامه‌های جانبی: برگزاری اردوهای دینی، مراسم مذهبی و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط.</p>	<p>زمانبندی</p>
<p>حکمت ۱۱۰: «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ» (هرکس به عیب خود نگاه کند) - خودسنجی.</p>	<p>ارزیابی اولیه: بررسی سطح اولیه فهم دانش‌آموزان از مفاهیم دینی و اخلاقی. ارزیابی مستمر: پیگیری پیشرفت دانش‌آموزان و</p>	<p>ارزشیابی</p>

ارائه بازخوردهای مفید برای رشد آن‌ها. خودسنجی: تشویق دانش‌آموزان به ارزیابی خود و پذیرش مسئولیت در یادگیری باورهای دینی و اخلاقی.	خطبه ۱۴۷: «لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَّا يَنْتَفَعُ بِهِ» (دانشی که سودمند نباشد خیر ندارد) - ارزیابی مستمر.
---	---

بعد از شناسایی عناصر که عبارتند از اهداف برنامه‌درسی، محتوا، راهبردهای تدریس، نقش معلم، مواد و منابع آموزشی، فضا، زمان، ارزشیابی تبدیل به فرضیه های تحقیق شد. آزمون فرضیات تحقیق:

اهداف برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۳: نقش اهداف برنامه‌درسی بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار t	سطح معنی‌داری (p)	R <sup>2</sup>	F
اهداف برنامه‌درسی	۰,۶۸	۱۲,۴۵	۰,۰۰۰	۰,۴۶	۱۵۴,۷

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) برای متغیر اهداف برنامه‌درسی برابر با ۰,۶۸ است که حاکی از نقش مثبت و قابل توجه این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌باشد. مقدار t برابر با ۱۲,۴۵ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) بیانگر آن است که این نقش از نظر آماری معنی‌دار است. ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر با ۰,۴۶ نشان‌دهنده آن است که ۴۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (تقویت باورهای اعتقادی) توسط اهداف برنامه‌درسی تبیین می‌شود. همچنین، مقدار F برابر با ۱۵۴,۷ تأیید می‌کند که مدل رگرسیون از برآزش مناسبی برخوردار است. محتوا برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش معنی‌داری دارد.

جدول ۴: نقش محتوا بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار t	سطح معنی‌داری (p)	R <sup>2</sup>	F
محتوا	۰,۶۲	۱۱,۳۲	۰,۰۰۰	۰,۴۱	۱۲۸,۴

بر اساس نتایج جدول ۴، ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر محتوا ۰,۶۲ محاسبه شده که نشان‌دهنده نقش مثبت این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان است. مقدار  $t$  برابر با ۱۱,۳۲ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) حاکی از معنی‌داری آماری این رابطه است. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۴۱ دلالت دارد که ۴۱ درصد از تغییرات در باورهای اعتقادی توسط محتوای برنامه‌درسی توضیح داده می‌شود. مقدار  $F$  برابر با ۱۲۸,۴ نیز برازش مناسب مدل رگرسیون را تأیید می‌نماید. راهبردهای تدریس برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۵: نقش راهبردهای تدریس بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار $t$	سطح معنی‌داری ( $p$ )	$R^2$	$F$
راهبردهای تدریس	۰,۶۵	۱۱,۹۸	۰,۰۰۰	۰,۴ ۴	۱۴۳,۶

تحلیل جدول ۵ نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) برای راهبردهای تدریس ۰,۶۵ است که بیانگر نقش مثبت و معنی‌دار این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی می‌باشد. مقدار  $t$  برابر با ۱۱,۹۸ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) از نظر آماری تأییدکننده این نقش است. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۴۴ نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط راهبردهای تدریس تبیین می‌گردد. مقدار  $F$  برابر با ۱۴۳,۶ نیز دلالت بر برازش قابل قبول مدل دارد. نقش معلم برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۶: نقش نقش معلم بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار $t$	سطح معنی‌داری ( $p$ )	$R^2$	$F$
نقش معلم	۰,۷۱	۱۳,۵۴	۰,۰۰۰	۰,۴ ۸	۱۸۳, ۵

نتایج تحلیل جدول ۶ حاکی از آن است که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر نقش معلم ۰,۷۱ می‌باشد که نشان‌دهنده نقش مثبت و قوی این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان است. مقدار  $t$  برابر با ۱۳,۵۴ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) این رابطه را از نظر آماری معنی‌دار تأیید می‌کند.

ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۴۸، بیانگر آن است که ۴۸ درصد از تغییرات باورهای اعتقادی توسط نقش معلم توضیح داده می‌شود. مقدار  $F$  برابر با ۱۸۳,۵ نیز برازش بالای مدل رگرسیون را نشان می‌دهد.

مواد و منابع برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان دردوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۷: نقش مواد و منابع بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار $t$	سطح معنی‌داری ( $p$ )	$R^2$	$F$
مواد و منابع	۰,۶۰	۱۰,۸۷	۰,۰۰۰	۰,۳۹	۱۱۸,۳

بر اساس تحلیل جدول ۷، ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر مواد و منابع آموزشی ۰,۶۰ محاسبه شده که دلالت بر نقش مثبت این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی دارد. مقدار  $t$  برابر با ۱۰,۸۷ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) نشان‌دهنده معنی‌داری آماری این نقش است. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۳۹ حاکی از آن است که ۳۹ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط مواد و منابع آموزشی تبیین می‌شود. مقدار  $F$  برابر با ۱۱۸,۳ نیز برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند. فضا مناسب برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان دردوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۸: نقش فضا بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار $t$	سطح معنی‌داری ( $p$ )	$R^2$	$F$
فضا مناسب	۰,۵۸	۱۰,۴۳	۰,۰۰۰	۰,۳۷	۱۰۸,۹

نتایج تحلیل جدول ۸ چندانکه نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر فضا ۰,۵۸ است که بیانگر نقش مثبت این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی می‌باشد. مقدار  $t$  برابر با ۱۰,۴۳ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) از نظر آماری این نقش را معنی‌دار تأیید می‌کند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به

مقدار ۰,۳۷، نشان‌دهنده آن است که ۳۷ درصد از تغییرات در باورهای اعتقادی توسط فضا توضیح داده می‌شود. مقدار F برابر با ۱۰۸,۹ نیز برازش قابل قبول مدل را نشان می‌دهد. زمانبندی برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۹: نقش زمان‌بندی بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار t	سطح معنی‌داری (p)	R <sup>2</sup>	F
زمان‌بندی	۰,۵۵	۹,۸۷	۰,۰۰۰	۰,۳ ۴	۹۷, ۵

تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر زمان‌بندی ۰,۵۵ می‌باشد که دلالت بر نقش مثبت این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی دارد. مقدار t برابر با ۹,۸۷ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) این رابطه را از نظر آماری معنی‌دار نشان می‌دهد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۳۴ بیانگر آن است که ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط زمان‌بندی تبیین می‌گردد. مقدار F برابر با ۹۷,۵ نیز برازش مناسب مدل را تأیید می‌نماید. ارزشیابی برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نقش مثبت دارد.

جدول ۱۰: نقش ارزشیابی بر تقویت باورهای اعتقادی

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار t	سطح معنی‌داری (p)	R <sup>2</sup>	F
ارزشیابی	۰,۶۳	۱۱,۶۵	۰,۰۰۰	۰,۴ ۳	۱۳۵, ۸

نتایج تحلیل جدول ۱۰ نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون ( $\beta$ ) متغیر ارزشیابی ۰,۶۳ است که حاکی از نقش مثبت و معنی‌دار این متغیر بر تقویت باورهای اعتقادی می‌باشد. مقدار t برابر با ۱۱,۶۵ و سطح معنی‌داری ( $p < ۰,۰۰۰$ ) از نظر آماری این نقش را تأیید می‌کند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به مقدار ۰,۴۳ دلالت دارد که ۴۳ درصد از تغییرات باورهای اعتقادی توسط ارزشیابی توضیح داده می‌شود. مقدار F برابر با ۱۳۵,۸ نیز برازش بالای مدل رگرسیون را نشان می‌دهد.

جدول کلی: رگرسیون چندگانه همه متغیرها

متغیر	ضریب رگرسیون ( $\beta$ )	مقدار $t$	سطح معنی‌داری ( $p$ )	$R^2$ کل	F کل
اهداف برنامه‌درسی	۰,۳۲	۵,۶۷	۰,۰۰۰	۰,۶۵	۷۱,۴
محتوا	۰,۲۸	۴,۹۳	۰,۰۰۰		
راهنمایی‌های تدریس	۰,۳۰	۵,۴۵	۰,۰۰۰		
نقش معلم	۰,۳۵	۶,۱۲	۰,۰۰۰		
مواد و منابع	۰,۲۵	۴,۵۸	۰,۰۰۰		
فضا مناسب	۰,۲۲	۴,۰۳	۰,۰۰۰		
زمان‌بندی	۰,۲۰	۳,۸۷	۰,۰۰۰		
ارزشیابی	۰,۲۷	۴,۸۱	۰,۰۰۰		

تحلیل رگرسیون چندگانه با در نظر گرفتن همه متغیرهای مستقل (اهداف، محتوا، راهنمایی‌ها، نقش معلم، مواد و منابع، فضا، زمان‌بندی، ارزشیابی) نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون ( $\beta$ ) برای این متغیرها به ترتیب ۰,۳۲، ۰,۲۸، ۰,۳۰، ۰,۳۵، ۰,۲۵، ۰,۲۲، ۰,۲۰ و ۰,۲۷ است که هر یک نقش مثبت و معنی‌داری بر تقویت باورهای اعتقادی دارند. مقادیر  $t$  بین ۳,۸۷ تا ۶,۱۲ و سطح معنی‌داری (۰,۰۰۰)  $p <$  برای همه متغیرها، معنی‌داری آماری این روابط را تأیید می‌کند. ضریب تعیین کل ( $R^2$ ) برابر با ۰,۶۵ بیانگر آن است که ۶۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این مجموعه متغیرها تبیین می‌شود. مقدار  $F$  کل برابر با ۷۱,۴ نیز نشان‌دهنده برازش بسیار خوب مدل رگرسیون چندگانه است.

### بحث و بررسی و نتیجه‌گیری

در بخش کیفی پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مفاهیم تربیت اعتقادی از متن نهج‌البلاغه استخراج و به عناصر برنامه‌درسی تبدیل شدند. این عناصر شامل اهداف (تقویت ایمان و رشد فردی-اجتماعی-زیست‌محیطی)، محتوا (آموزه‌های دینی و مهارت‌های زندگی)، راهنمایی‌های تدریس (پویا، نمونه‌محور، قصه‌گویی)، نقش معلم (نمونه عملی و راهنما)، مواد و منابع (کتاب، احادیث، چندرسانه‌ای)، فضا (پشتیبان و معنوی)، زمان‌بندی (منظم و جانبی)، و ارزشیابی (اولیه، مستمر، خودسنجی) بودند. این یافته‌ها نشان داد که نهج‌البلاغه ظرفیت بالایی برای طراحی برنامه‌درسی اعتقادی دارد و هر عنصر با مستندات از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها (مانند خطبه ۱ و حکمت ۳۱) پشتیبانی می‌شود. در بخش کمی، نقش این عناصر بر تقویت باورهای اعتقادی با تحلیل رگرسیون

چندگانه و نمونه‌ای متشکل از ۳۰۵ معلم ابتدایی شهر کرمان آزمون شد. نتایج جداگانه نشان داد که ضرایب رگرسیون ( $\beta$ ) برای اهداف (۰,۶۸)، محتوا (۰,۶۲)، راهبردها (۰,۶۵)، نقش معلم (۰,۷۱)، مواد و منابع (۰,۶۰)، فضا (۰,۵۸)، زمان‌بندی (۰,۵۵)، و ارزشیابی (۰,۶۳) همگی مثبت و معنی‌دار ( $p < 0,000$ ) هستند، با ضرایب تعیین ( $R^2$ ) بین ۰,۳۴ تا ۰,۴۸. تحلیل کلی رگرسیون چندگانه نیز با  $p = 0,000$  نشان داد که ۶۵ درصد تغییرات باورهای اعتقادی توسط این ۸ عنصر تبیین می‌شود ( $F = 71,4$ ). این نتایج تأیید کرد که همه فرضیه‌های پژوهش معنی‌دار و مثبت هستند. پژوهش حاضر نشان داد که برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه نقش قابل توجهی بر تقویت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد. یافته‌های کیفی حاکی از آن است که عناصر برنامه‌درسی، از اهداف غایی (مانند تقویت ایمان) تا ارزشیابی مستمر، با اصول تربیتی نهج‌البلاغه هم‌راستا هستند و قابلیت عملیاتی شدن در محیط آموزشی را دارند. نتایج کمی نیز با ضرایب رگرسیون معنی‌دار (۰,۵۵ تا ۰,۷۱) و ضریب تعیین بالای ۶۵ درصد، این نقش را تأیید می‌کند. این امر بیانگر آن است که هر یک از این عناصر به‌طور جداگانه و در ترکیب با یکدیگر، بستری مؤثر برای نهادینه‌سازی باورهای دینی فراهم می‌کنند. از منظر نظری، این نتایج با دیدگاه دیویی (۱۳۹۶) که بر پیوند آموزش با تجربه‌های واقعی تأکید دارد، هم‌سو است؛ زیرا برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه از روش‌های عملی مانند قصه‌گویی و الگودهی بهره می‌گیرد. همچنین، نظریه پیازه (۱۴۰۳) مبنی بر تطبیق محتوا با سطح شناختی کودکان در دوره عملیات عینی، با ساده‌سازی مفاهیم نهج‌البلاغه (مانند حکمت‌های کوتاه) برای دانش‌آموزان ابتدایی سازگار است. نظریه ویگوتسکی (۱۴۰۰) نیز که بر نقش تعاملات اجتماعی و الگوها تمرکز دارد، با نقش معلم و فضاهای گروهی این برنامه هم‌خوانی نشان می‌دهد. این تبیین نظری، چارچوب محکمی برای فهم نقش این برنامه ارائه می‌دهد. مقایسه با تحقیقات پیشین نیز نتایج جالبی را آشکار می‌کند. مشابه پژوهش عباس‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، که بر انسجام عناصر برنامه‌درسی برای رشد دینی تأکید داشت، این مطالعه نیز نشان داد که ترکیب عناصر نهج‌البلاغه اثربخشی بالایی دارد. اما برخلاف طالقانی (۱۴۰۱) که صرفاً بر باورهای توحیدی و معاد محور تمرکز کرده بود، این پژوهش با افزودن بُعد زیست‌محیطی و مهارت‌های زندگی، جامعیت بیشتری ارائه می‌دهد. همچنین، نسبت به مطالعه رستمی و همکاران (۱۳۹۷) که بر نامه ۳۱ متمرکز بود، این تحقیق با بررسی کل نهج‌البلاغه، گستره وسیع‌تری از مفاهیم را پوشش داده است. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که نقش معلم ( $\beta = 0,71$ ) و اهداف برنامه‌درسی ( $\beta = 0,68$ ) بیشترین نقش را بر باورهای اعتقادی دارند، که این امر بر اهمیت

الگودهی و هدف‌گذاری دقیق در آموزش دینی دلالت دارد. زمان‌بندی ( $\beta = 0,55$ ) کمترین نقش را نشان داد، که ممکن است به محدودیت‌های اجرایی در مدارس اشاره داشته باشد. این نتایج با پژوهش محمدی‌پناه و همکاران (۱۴۰۱) که بر ضرورت مقدمات عملی تربیت اعتقادی تأکید داشت، هم‌راستاست و بر لزوم توجه به همه عناصر به‌صورت یکپارچه تأکید می‌کند. همچنین، ضریب تعیین بالای ۰,۶۵ بیانگر برازش قوی مدل است که کارایی عملی این برنامه را تقویت می‌کند. در نهایت، این پژوهش تأیید می‌کند که برنامه‌درسی مبتنی بر نهج‌البلاغه می‌تواند به‌عنوان ابزاری بومی و مؤثر در نظام آموزشی ایران به کار گرفته شود. این برنامه نه تنها باورهای دینی را تقویت می‌کند، بلکه با پرورش مهارت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، دانش‌آموزان را برای زندگی مسئولانه آماده می‌سازد. از منظر نظری، این رویکرد تلفیقی از دیدگاه‌های اسلامی و مدرن را ارائه می‌دهد و از نظر عملی، خلأهای موجود در برنامه‌های فعلی را جبران می‌کند. با این حال، اجرای موفق آن نیازمند زیرساخت‌های مناسب و آموزش معلمان است.

### پیشنهادات

آموزش معلمان: دوره‌های آموزشی برای معلمان دوره ابتدایی برگزار شود تا با استفاده از مفاهیم نهج‌البلاغه و روش‌های تدریس پویا آشنا شوند، با تأکید بر نقش الگویی معلم که بیشترین نقش ( $\beta = 0,71$ ) را نشان داد.

تدوین محتوای جدید: کتاب‌ها و منابع آموزشی مبتنی بر نهج‌البلاغه با زبان ساده و متناسب با دانش‌آموزان ابتدایی طراحی شود تا نقش محتوا ( $\beta = 0,62$ ) به حداکثر برسد. تقویت زیرساخت‌های فضایی: فضاهای معنوی و حمایتی مانند نمازخانه‌ها و کتابخانه‌های دینی در مدارس توسعه یابد تا نقش فضا ( $\beta = 0,58$ ) بهبود یابد.

بازنگری زمان‌بندی: برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه با زمان‌بندی منعطف‌تر طراحی شوند تا نقش این عنصر ( $\beta = 0,55$ ) که کمترین مقدار را داشت، افزایش یابد.

ارزیابی مستمر: سیستم ارزشیابی مستمر و خودسنجی در مدارس پیاده‌سازی شود تا با تقویت این عنصر ( $\beta = 0,63$ )، پیشرفت باورهای اعتقادی دانش‌آموزان به‌طور مداوم پایش گردد.



## منابع

نهج البلاغه.

اعرافى، علیرضا، بهشتى، محمد، فقیهى، ع. ن.، و ابوجعفرى، م (۱۳۹۹) درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (جلد دوم). تهران: سمت.

اعرافى، علیرضا، و موسوی، سید نصرالله. (۱۳۹۲). تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه. مجله فقه، ۲۰(۲)، ۴۸-۷۰.

اعرافى، علیرضا، ایرانی، حمید، کاردان، علی، حسینی، علی و پاک سرشت، محمدجواد (۱۳۹۵). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی: فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول). تهران: سمت.

ایرانپور، محمد، مزیدی، ماه منیر، و خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۵). ادراک دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز نسبت به فعالیت‌های پرورشی مدارس و بررسی رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴(۱)، ۳۲-۹۵.

پیاز، ژان، و اینهلدر، باربل (۱۴۰۳) روان‌شناسی کودک (زینب. توفیق، مترجم). تهران: انتشارات نی.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴) ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات دریا.

دیوئی، جان. (۱۳۹۶) منطق تئوری تحقیق (علی. شریعت مداری، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رستمی، همایون، ایمانی، محسن، و بهشتی، سعید. (۱۳۹۷). نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه. مجله قرآن و طب، ۵(۲)، ۱۴-۲۰.

رضازاده، زهرا و قهرمانی، فریده. (۱۴۰۳). دیدگاه نهج البلاغه درباره نقش معلم در تربیت دینی نوجوانان. اولین همایش بین‌المللی ایده‌های تحول‌آفرین در مطالعات فرهنگی و آموزشی در آموزش و پرورش.

ساعتچی، محمود (۱۴۰۰). نظریه‌پردازان و نظریه‌ها در روان‌شناسی. تهران: نشر سخن.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۴). سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طالقانی، سید عبدالوهاب. (۱۴۰۱). بررسی تربیت اعتقادی قرآن با الگوی «ابرار» در سیر نزول. مجله قرآنی کوثر، ۷۳، ۵-۲۲.
- طباطبایی، سید علی (۱۳۹۶). شرح موضوعی نهج‌البلاغه: معارف تربیتی (جلد چهارم). قم: مطبوعات دینی.
- عباس‌زاده، آذر، رنج‌دوست، شهرام، و عظیمی، محمد. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی رشد دینی و اخلاقی با تأکید بر دوره اول متوسطه. مجله مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۱(۳۵)، ۶۹-۹۵.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. تهران: نشر علم استادان.
- فرمپینی فراهانی، محسن. (۱۴۰۱). تربیت در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات آبیژ.
- کرمی دورودخانی، حمیدرضا، قهرمانی، جعفر، و کاظم‌پور، اسماعیل پور. (۱۴۰۲). طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی معنوی با رویکرد تلفیقی در دوره متوسطه مبتنی بر اسناد بالادستی. مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲(۷۶)، ۶۷-۸۳.
- محمدی‌پناه، شیرین، کهساری، رضا، و آقای بیجستانی، مریم. (۱۴۰۱). بایسته‌های تربیت اعتقادی فرزند از منظر فقه تربیتی. مجله خانواده و بهداشت، ۲(۳۳)، ۲۰۰-۲۱۲.
- مرزوقی، رحمت اله، و دهقانی، یاسر. (۱۳۹۸). ارزیابی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه: مطالعه موردی شهر شیراز. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۹۹-۱۲۲.
- موسوی، سید نقی (۱۴۰۰). تلقین و حدود کاربست آن در تربیت دینی (کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرعرب، فاطمه (۱۳۹۵). تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی. تهران: انتشارات بوستان کتاب.
- نجفی، حسن، طالعی‌فرد، احمد، و ملکی، حسن. (۱۳۹۶). دلالت‌های تربیتی نهج‌البلاغه بر اسلامی‌سازی عناصر برنامه‌ی درسی. مجله معرفت، ۲۳۶، ۴۳-۵۸.
- نهج‌البلاغه. (۱۳۷۸). (سید جعفر شهیدی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نهج البلاغه. (۱۳۷۹). (محمد. دشتی، مترجم). چ هفتم. قم: نشر مشرقین.

Komalasari, Z., & Yakub, F. (2023). Implementing the formation of student personality through belief education. *Journal of Education*, 1(145), 4-157.

Rabbani, F., Ramadan, M. F., & Amirah, A. (2024). The role of Islamic religious education curriculum in developing students' religious values. *JUDIKIS: Jurnal Pendidikan Islam*, 1(3), 129–138. <https://doi.org/10.70938/judikis.v1i3.48>

## **The Effect of Curriculum Model on Strengthening the Beliefs of Elementary School Students in Kerman City from the Perspective of Nahj al-Balagha**

Mahsa Hosseini , Hossein Ali Jahed<sup>2\*</sup>, Mohammad Niroom<sup>3</sup>

### **Abstract**

The aim of this study was to investigate the effect of a curriculum based on Nahj al-Balagha on strengthening the beliefs of elementary school students, which was carried out with a mixed approach (qualitative-quantitative). In the qualitative part, using the content analysis method, the concepts of belief education were extracted from the text of Nahj al-Balagha and organized into eight curriculum elements including objectives, content, teaching strategies, teacher's role, materials and resources, space, timing, and evaluation. The qualitative statistical population included the full text of Nahj al-Balagha and two valid interpretations, and the data were analyzed through inductive coding. In the quantitative part, the effect of these elements was tested by multiple regression analysis on a sample of 305 elementary school teachers in Kerman city. The research tool was a researcher-made questionnaire with 75 questions, whose validity (CVI=0.84) and reliability ( $\alpha=0.81$ ) were confirmed. Qualitative results showed that Nahj al-Balagha has a high capacity for designing a faith-based curriculum, and quantitative findings confirmed the positive impact of these elements with significant regression coefficients ( $\beta$  between 0.55 and 0.71,  $p<0.000$ ) and a total determination coefficient of 0.65. The role of the teacher ( $\beta=0.71$ ) and goals ( $\beta=0.68$ ) had the highest impact, and scheduling ( $\beta=0.55$ ) had the lowest impact. These results emphasize the need to train teachers, develop new content, and improve infrastructure. As a native model, this program can strengthen students' religious beliefs and compensate for educational gaps.

**Keywords:** Curriculum, Faith Education, Nahj al-Balagha, Elementary Students.

<sup>1</sup>. Department of Educational Studies and Curriculum Planning, Science and Research Branch., Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Corresponding Author: Department of Educational Management , West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. 5069321420@iau.ir

<sup>3</sup> . 3. Department of Educational Studies and Curriculum Planning ,Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran